



۵دهه جهش قیمت مسکن خانه در تهران ۱۳۸ هزار برابر گران تر شد

صفحه ۵

براساس آمارها ارزش ریالی بازار کالاهای مصرفی ایران در ماه‌های گذشته ۵۲در صد رشد داشته است

بازار زیر فشار تورم

افزایش قیمت هاست. در این میان، ثابت ماندن نسبی حجم خرید، تغییر تر کیب سبد مصرف، کاهش تنوع محصولات و افزایش ۴۰ درصدی هزینه‌های تولید نشان می‌دهد بازار برای حفظ سطح مصرف، خود را با فشارهای تازه در سمت عرضه و تقاضا تطبیق داده است؛ فشاری که به گفته فعالان بازار می‌تواند در نیمه دوم سال بار دیگر به افزایش قیمت‌ها منجر شود. به گزارش «تاادل» نشست سالاانه گروه دی‌ان‌ای‌یونیون با ارائه گزارش

جامع گروه تحقیقات بازار ای‌ام‌آر سی در باره تغییر رفتار بازار خرده‌فروشی ایران در دو بحران اخیر بر گزار شد. گزارش «ای‌ام‌آر سی» به بررسی تغییر الگوهای خرید و رفتار مصرف‌کنندگان ایرانی در جریان دو بحران اخیر پرداخته و تصویری از میزان انعطاف‌پذیری بازار و کنش خانوارها به فشارهای اقتصادی ارایه می‌دهد. کامیار امامی مدیر عامل این گروه تحقیقاتی در این نشست ضمن ارایه خلاصه‌ای از گزارش گروه تحقیقات بازار

«ای‌ام‌آر سی» از رشد ارزش بازار کالاهای مصرفی ایران در دوره‌های بحران با وجود حفظ سطح مصرف خبر داد. به گفته امامی، در این گزارش، بازار خرده‌فروشی در سه دهه زمانی شامل پیش از بحران (آبان و آخر ۱۴۰۴)، وقایع یازده‌ماه‌ای و پهنم (۱۴۰۴) و دوره جنگ (اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵) مورد بررسی قرار گرفته است. این تحلیل بر پایه داده‌های پنل خرده‌فروشی کالاهای تندمصرف در ایران انجام شده...

صفحه ۷ رابخوانید

چرا مسیر توافق ایران و امریکا متوقف شد؟

شصت روز پس از توافق اسلام آباد



۲

یادداشت - ۱

چالش پیچیده تورم



آلبرت بغزیان

سیاست‌های ضدتورمی باید میان کاهش سرعت افزایش قیمت‌ها و کاهش واقعی سطح قیمت‌ها تفاوت قائل شود. کاهش نرخ تورم به این معنا نیست که کالاها ارزان شده‌اند، بلکه تنها نشان می‌دهد قیمت‌ها با سرعت کمتری نسبت به گذشته افزایش پیدا می‌کنند. در نتیجه تا زمانی که تورم به محدوده منفی نرسد، خانوارها همچنان با افزایش قیمت‌ها مواجهند و کاهش فشار بر معیشت تنها زمانی محسوس خواهد بود که این روند برای مدت طولانی متوقف یا معکوس شود.

عوامل ایجاد تورم در اقتصاد ایران تا حد زیادی شناخته شده هستند و مساله اصلی نه شناسایی این عوامل، بلکه نحوه مواجهه با آنهاست. از ناترازی بانک‌ها و اضافه‌برداشت گرفته تا رشد نقدینگی، اختلال در واردات و صادرات، کسری ارز ترجیحی، احتکار، انحصار، افزایش قیمت تمام شده و قیمت‌گذاری دستوری، مجموعه‌ای از عوامل هستند که می‌توانند در دوره‌های مختلف سهم متفاوتی در افزایش قیمت‌ها داشته باشند.

از این منظر، استمرار تورم را نمی‌توان صرفا به یک عامل مشخص نسبت داد. ممکن است در یک مقطع، فشارهای ارزی یا هزینه‌های واردات نقش بیشتری داشته باشند و در مقطع دیگر، ناترازی شبکه بانکی یا رشد نقدینگی به عامل مهم‌تری تبدیل شود. با این حال، وجود مجموعه‌ای از عوامل شناخته شده به این معناست که سیاستگذار باید بتواند برای هر کدام از آنها راهکار مشخص و قابل اجرا داشته باشد. زمانی که عوامل تورم‌زا شناسایی شده‌اند، باید آثار مقابله با آنها در سطح قیمت‌ها مشاهده شود.

یکی از مهم‌ترین محورهای این بحث، وضعیت شبکه بانکی و اضافه‌برداشت بانک‌هاست. ناترازی بانک‌ها می‌تواند بانک‌ها را به استفاده بیشتر از منابع بانک مرکزی سوق دهد و این روند در صورت استمرار، به افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی منجر شود. در چنین شرایطی، کنترل تورم بدون اصلاح وضعیت شبکه بانکی دشوار خواهد بود. از نگاه این کارشناس اقتصادی، اگر سیاستگذار توان یا اختیار لازم برای بر خورد با اضافه‌برداشت‌ها و رشد نقدینگی ناشی از عملکرد بانک‌ها را ندارد، این محدودیت باید به صورت شفاف مشخص شود؛ زیرا نمی‌توان همزمان از ضرورت مهار تورم سخن گفت و نسبت به مهم‌ترین عوامل ایجادکننده آن اقدام موثری انجام نداد.

در کنار شبکه بانکی، نحوه تخصیص منابع نیز اهمیت دارد. بانک‌ها بخش قابل توجهی از منابع مالی اقتصاد را در اختیار دارند و انتظار می‌رود این منابع به سمت فعالیت‌های مولد تولید هدایت شود. با این حال، اگر منابع بانکی به سمت فعالیت‌های غیر مولد، دلالی و سفته‌بازی حرکت کنند، نه تنها تأمین مالی تولید با مشکل مواجه می‌شود، بلکه این منابع می‌توانند خود به عاملی برای افزایش قیمت‌های کالاها تبدیل شوند. بنابراین اصلاح کیفیت تخصیص اعتبار در کنار کنترل حجم نقدینگی، بخشی از سیاست ضدتورمی خواهد بود.

عامل دیگری که در شرایط کنونی اهمیت پیدا کرده، وضعیت تجارت خارجی و دسترسی به ارز است. اختلال در واردات و صادرات، کمبود یا عدم تخصیص ارز ترجیحی و افزایش هزینه‌های مبادله می‌تواند مستقیما بر هزینه تأمین کالا و مواد اولیه اثر بگذارد.

در چنین شرایطی، افزایش هزینه واردات یا دشوار شدن دسترسی تولیدکنندگان به مواد اولیه، در نهایت خود را در قیمت تمام شده محصولات نشان می‌دهد. بنابراین ثبات در جریان تجارت خارجی و کاهش اختلالات ارزی می‌تواند در کنترل بخشی از فشارهای تورمی موثر باشد.

تحولات منطقه‌ای نیز در این میان بی‌تأثیر نیست. افزایش قیمت سوخت و اثر آن بر اقتصاد همچنین حل مسائل مرتبط با تنگه هرمز نیز می‌تواند بخشی از فشارهای هزینه‌ای را کاهش دهد. بسته شدن این مسیر مهم تجاری می‌تواند هزینه حمل‌ونقل و انرژی را افزایش دهد و از این طریق بر قیمت کالاها و خدمات اثر بگذارد. بنابراین بخشی از فشار تورمی موجود ممکن است از تحولات بیرونی ناشی شود، اما این موضوع به معنای نادیده گرفتن عوامل داخلی نیست.

یادداشت - ۴

فرار سرمایه از بورس به سمت بازارهای بدون ریسک

اقتصاد کشور امروز در فضایی قرار گرفته که نمی‌توان آن را متغیر، بیش از حد پیچیده یا صرفا با عبارات خوشبینانه یا بدبینانه توصیف کرد؛ واقعیت این است که بازارها در حال حاضر زیر فشار دو عامل تعیین‌کننده قرار دارند، ریسک‌های ناشی از شرایط

جنگی و افزایش بازدهی بازارهای بدون ریسک. این دو

متغیر، بیش از حد پیچیدگی، بر رفتار سرمایه‌گذاران و چشم‌انداز بازار سرمایه سایه انداخته‌اند. از یک سو، بحث جنگ دیگر صرفا یک حدس و گمان نیست؛ اقتصاد کشور در شرایطی فعالیت می‌کند که ریسک‌های ژئوپلیتیکی به‌طور جدی بر تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی اثر گذاشته است. در چنین فضایی، نااطمینانی افزایش پیدا می‌کند، نقد سرمایه‌گذاری کوتاه‌تر می‌شود و تمایل سرمایه‌گذاران به پذیرش ریسک کاهش می‌یابد. طبیعاً است که در چنین شرایطی بازار سرمایه نمی‌تواند از آثار این فضای پر تنش مصون بماند. اما در کنار این موضوع، عامل مهم‌تری نیز وجود دارد که شاید کمتر از جنگ درباره آن صحبت شود، اما اثر آن بر بازار سهام کاملا ملموس است. نرخ بهره بازارهای بدون ریسک افزایش نرخ بهره بانکی و رشد بازدهی اوراق و سایر ابزارهای کم‌ریسک، به‌طور مستقیم جذابیت بازار سرمایه را کاهش

می‌دهد. این مساله یک قاعده شناخته شده در همه بازارهای مالی است؛ هر چه بازدهی بدون ریسک بالا برود، سرمایه‌گذار برای ورود به دارایی‌های پرریسک مانند سهام، انتظار سود بیشتری خواهد داشت. به بیان ساده، اگر بازار سرمایه در یک سال آینده بتواند بازدهی ۲۰ درصدی بدهد، مادر مقابل، بازار بدون ریسک ۳۳ درصد سود تضمین شده ارائه کند، پذیرش ریسک سهام برای بسیاری از سرمایه‌گذاران توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهد. سرمایه‌گذار زمانی ریسک را می‌پذیرد که در برابر آن، ریسک‌پذیری او را جبران کند. اگر این نسبت به هم بخورد، طبیعی است که منابع از بازار سرمایه به سمت ابزارهای بدون ریسک حرکت کنند. از همین رو، افزایش نرخ بهره تنها یک متغیر پولی ساده نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل فشار بر ارزش‌گذاری سهام محسوب می‌شود. نرخ بهره بالاتر به‌طور مستقیم بر P/E بازار اثر می‌گذارد و در نتیجه، انتظارات از سودآوری آتی شرکت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی نرخ تولید کالا یا نیز ورود، ارزش فعلی جریان‌های نقدی آینده کاهش می‌یابد و این یعنی کاهش جذابیت سهام، حتی اگر سودآوری شرکت‌ها در ظاهر تغییری نکرده باشد...

ادامه در صفحه ۷

با سخنگویی به‌نیاز داخلی، بلکه تشدید آثار زیست‌محیطی و آلودگی هوای نیز هست. کشوری با ذخایر عظیم نفت و گاز، ناگزیر باید در مسیر نوسازی صنعت پالایش و ساخت پالایشگاه‌های مجهز تر حرکت کند تا بتواند بنزین بیشتری با کیفیت بالاتر تولید کند. در این میان، موضوع قیمت بنزین همواره به‌عنوان یکی از بحث‌برانگیزترین گریزها مطرح بوده است. تردیدی نیست که قیمت رفتار مصرفی اثر می‌گذارد، اما در شرایط اجتماعی و اقتصادی کنونی، آزادسازی یا واقعی‌سازی قیمت بنزین با ملاحظات جدی رویه‌رواست. تجربه‌های گذشته نشان داده هر گونه افزایش قیمت در این حوزه، حساسیت اجتماعی بالایی دارد و می‌تواند شوک‌های ناگهانی به جامعه وارد کند. افزون بر این، بخش مهمی از دهک‌های پایین در آمدی در مشاغل مرتبط با حمل‌ونقل فعالیت می‌کنند و متعلق به طبقه‌های کم‌درآمد است. بنابراین، هر گونه افزایش قیمت سوخت، گرچه خود را در مجموع، ناترازی بنزین در ایران موضوعی چندوجهی است که باسنخه‌های ساده و کوتاه مدت حل نمی‌شود. اگر قرار است این چالش مهار شود، سیاستگذار باید از تمرکز صرف بر مصرف‌کننده فاصله بگیرد و به سمت اصلاحات ساختاری در تولید، فناوری، حمل و نقل، نظارت و تنوع‌بخشی به سبد سوخت حرکت کند. مدیریت مصرف زمانی موفق خواهد بود که مردم احساس کنند دولت نیز همزمان در حال فراهم کردن امکانات، زیرساخت‌ها و انتخاب‌های بهتر برای آنان است.

ادامه در صفحه ۷

معنا پیدای می‌کند که ابزارهای آن نیز برای مردم فراهم شده باشد. نمی‌توان از جامعه خواست کمتر مصرف کند، اما امکان استفاده از خودروی کم مصرف یا ناوگان عمومی کارآمد را در اختیارش قرار نداد. بخش دیگری از ناترازی بنزین به مساله قاچاق بازمی‌گردد. راقمی که درباره قاچاق سوخت مطرح می‌شود، معمولا از وجود شبکه‌های فراتر از قاچاق خرد حکایت دارد. این موضوع نشان می‌دهد بخشی از فشار بر منابع بنزین کشور، نه ناشی از مصرف طبیعی داخلی، بلکه نتیجه ناکارآمدی در نظارت و مقابله با قاچاق سازمان یافته است. بدیهی است که در چنین وضعیتی، مبارزه موثر با قاچاق باید به یکی از اولویت‌های اصلی سیاستگذار بدل شود، چرا که بدون مهار این بخش، هر برنامه‌ای برای تعادل بخشی به بازار بنزین ناقص خواهد ماند. همزمان، توجه به سوخت‌های جایگزین نیز ضروری است. انکار ناپذیر است، حرکت به سمت استفاده بیشتر از گاز و به‌ویژه برق در ناوگان خودرویی، می‌تواند بخشی از بار مصرف بنزین را کاهش دهد. ایران به لحاظ منابع انرژی از ظرفیت‌های بالایی بر خوردار است و منطقاً نیز که با تنگناهای آینده‌نگر، سبد سوخت حمل‌ونقل خود را متنوع‌تر کند. در سوی دیگر ماجرا، مساله تولید بنزین و کیفیت پالایش نیز قرار دارد. بسیاری از پالایشگاه‌های کشور با فناوری‌های متعلق به دو یا سه دهه قبل فعالیت می‌کنند و این فرسودگی هم‌میزان تولید و هم‌بر کیفیت محصول اثر می‌گذارد. نتیجه این وضعیت، نه تنها محدود شدن ظرفیت

ادامه در صفحه ۷

«امنیت» از عصر تعهدات ثابت به عصر محاسبات سیال

به تعهدات و اشتگتن است. سرانجام، آنچه‌از ستول تاتهران قابل مشاهده است، یک تحول مهم تر است. «هنیت» در حال عبور از عصر تعهدات ثابت به عصر محاسبات سیال است. ترامپ می‌کوشد میان دیپلماسی، فشار، هزینه نظامی و معامله سیاسی، توازنی نو برقرار کند. بر سرش راهبردی برای متحدها امریکا این است که ایا این رویکرد، اسیا و خاور میانه را از موضوعاتی مستقل نیست؛ بلکه در چارچوبی واحد؛ «تقسیم هزینه، مشارکت متحدها و اولویت‌های امنیتی امریکا» دیده می‌شود. از این نگاه، سخنان اخیر ترامپ را باید فراتر از یک تصمیم درباره یک رزمایش نظامی خواند. امریکا در حال آزمودن الگویی است که در آن متحدها باید سهم بیشتری از هزینه و مسوولیت امنیتی خود را بر عهده بگیرند و واشنگتن نیز حضور نظامی خود را بر اساس «سود، هزینه و دستورالسیاسی» باز تنظیم کند. با این حال، کاهش مانورها لزوماً به معنای کاهش تعهد امریکا به کره جنوبی نیست؛ همان گونه که بر گزاری مانورها نیز به تنهایی تضمین‌کننده ثبات نیست؛ مساله اصلی، اعتبار بازدارندگی و میزان اطمینان متحدها

«پیامی خصمانه» و بار دیگر بر این نکته تأکید کرده که بخش عمده هزینه‌های امنیتی متحدها امریکا را واشنگتن پرداخت می‌کند. اما این موضع برای کسانی که تاریخ سیاست ترامپ در قبال کره شمالی را دنبال کرده‌اند، چندان غافلگیرکننده نیست. ترامپ در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود نیز مانورهای مشترک امریکا و کره جنوبی را «برهزینه» توصیف کرد و در مقطعی با توقف یا کاهش آنها موفق‌تر ده اقدامی که در آن زمان با استقبال بیونگ یانگ، رویه‌رو شد و همزمان نگرانی‌هایی را در ستول درباره اعتبار تعهد امنیتی امریکا برانگیخت. رزمایش سالانه «سیر آزادی اولچی» اساسا برای افزایش آمادگی نیروهای امریکا و کره جنوبی در برابر احتمال حمله کره شمالی برگزار می‌شود. از نگاه ستول، این مانورها تنها نمایش قدرت نیست؛ بلکه بخشی از «همکاری خود، ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» اعلام کرده است که روابط «بسیار خوب» او با کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، در تصمیمش برای کاهش مانورها نقش داشته است. او این رزمایش‌ها را «برهزینه» و حامل

تصمیم ترامپ برای کاهش چشمگیر سطح مانورهای نظامی مشترک امریکا و کره جنوبی، در ظاهر اقدامی نظامی و نه هم‌محور است؛ اما در عمق خود حامل پیامی است ژئوپلیتیکی که نمی‌توان آن را از تحولات شبه‌جزیره کره تجربه نخستین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ و حتی رویکرد او به پرونده هسته‌ای ایران جدا کرد. اهمیت ماجرا نیز دقیقا در همین نقطه است؛ آنچه امروز در ستول و واشنگتن رخ می‌دهد، بخشی است از بازتعریف مناسبات امنیتی امریکا در شرق اسیا و نشان‌دهنده تغییر محاسبه واشنگتن درباره هزینه‌های حضور نظامی در خارج از مرزهای خود. ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» اعلام کرده است که روابط «بسیار خوب» او با کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، در تصمیمش برای کاهش مانورها نقش داشته است. او این رزمایش‌ها را «برهزینه» و حامل

یهمن اکبری

تصمیم ترامپ برای کاهش چشمگیر سطح مانورهای نظامی مشترک امریکا و کره جنوبی، در ظاهر اقدامی نظامی و نه هم‌محور است؛ اما در عمق خود حامل پیامی است ژئوپلیتیکی که نمی‌توان آن را از تحولات شبه‌جزیره کره تجربه نخستین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ و حتی رویکرد او به پرونده هسته‌ای ایران جدا کرد. اهمیت ماجرا نیز دقیقا در همین نقطه است؛ آنچه امروز در ستول و واشنگتن رخ می‌دهد، بخشی است از بازتعریف مناسبات امنیتی امریکا در شرق اسیا و نشان‌دهنده تغییر محاسبه واشنگتن درباره هزینه‌های حضور نظامی در خارج از مرزهای خود. ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» اعلام کرده است که روابط «بسیار خوب» او با کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، در تصمیمش برای کاهش مانورها نقش داشته است. او این رزمایش‌ها را «برهزینه» و حامل



به شماره ۳۲۰۵۳۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظر ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روز نامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

سامانه پیامکی روز نامه تعادل